

مترجم به روایت پیرامتن: بررسی مضامین پیرامتن‌های آثار ادبی ترجمه‌شده به فارسی در دوره پهلوی دوم^۱

کبری ارس‌خانی^۲ و سید حسین ارجانی^۳

چکیده

پیرامتن لایه‌ای واسطه بین متن و خواننده است که گاه با دخالت مترجم به وجود می‌آید و می‌توان ردپای موضوعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در آن جست. پیرامتن ممکن است فرایند بازآفرینی، تفسیر و انتقال معنای متن را دستخوش تغییر نماید و بررسی آن چشم‌انداز بهتری از رویکرد و جایگاه مترجم در نظام ادبی در اختیار ما می‌گذارد. در پژوهش حاضر برآن شدیم مضامین موجود در پیرامتن‌های آثار ترجمه‌شده ادبی به فارسی در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش.) را بررسی کنیم و ردپای رویکرد، نگرش، اندیشه و نظرات مترجم را در باب ترجمه و مترجمی و نشر دنبال کنیم. به‌همین‌منظور، پس از بررسی تعداد ۱۹۸ عنوان کتاب ترجمه‌شده ادبی در بازه زمانی مذکور، پیرامتن‌های ۵۹ کتاب شامل شناسنامه کتاب، پانویس و مقدمه مترجمان با ۴۶۷ نمونه داده (که ۳۷۳ نمونه در باب ترجمه بود) را ثبت و ضبط کردیم که همگی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ ش.) بود. برچسب‌گذاری داده‌ها منجر به شناسایی هشت مضمون اصلی شامل «تبیین راهبرد و راهکارهای ترجمانی خود»، «ملاحظات نشر و چاپ کتاب» و «تبیین هدف و ضرورت و اهمیت ترجمه و نیازهای مخاطب»، ۲۰ مضمون فرعی اولیه و چهار مضمون فرعی ثانویه شد. نتایج بررسی نشان داد که تمرکز غالب مترجمان «تبیین راهبرد و راهکارهای ترجمانی خود» و ارائه و دفاع از روش خود در موافقت و یا مخالفت با رویکرد ترجمانی رایج بوده است. گذشته‌ازاین، پیرامتن بستری برای ابراز مشروعیت فرهنگی، ادبی و علمی اثر و ترجمه آن و نیز بیان اندیشه‌های مخالف مترجم نیز بوده است.

واژه‌های اصلی: پیرامتن، ترجمه ادبی، تحلیل مضمون، دوره پهلوی، روش ترجمه

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۹ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ k_arasskhani@atu.ac.ir

۳. نویسنده مسئول: استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ arjani@atu.ac.ir

۱. مقدمه

دوره پهلوی نقطه عطفی در تاریخ ایران مدرن شناخته می‌شود (Abrahamian, 2018). با آنکه در این دوره «مدرنیته» و «غرب‌زدگی» مخالفانی داشت (Zahirinejad, 2022; Katouzian, 2010 Abrahamian, 2018; Ostvar, 2023; Cronin, 2003) که از این میان می‌توان به تغییرات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی و در پی آن بازتعریف هویت ایرانیان اشاره نمود (Zahirinejad, 2022; Chehabi, 1993). در همین راستا، مؤسسات خصوصی و دولتی ترجمه تأسیس شدند (Abrahamian, 1982, pp. 123-163) و ترجمه رونق یافت. در این دوره ترجمه نهاده و سیاست‌زده شد (Boroujerdi, 1996, pp. 21-45) و علاوه بر ایجاد فضایی فرهنگی و اصلاح‌طلبانه، به مجرای برای اندیشه‌های مخالف تبدیل گردید (Abrahamian, 1982). بنابراین، ترجمه و راهبردهای آن در دوره پهلوی عمیقاً متأثر از شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود به‌طوری‌که از نظر برخی پژوهشگران (مانند Tavakoli-Targhi, 2001, pp. 120-145) در مقدمه ترجمه‌های این دوره اغلب به نقش این خاندان در پیشرفت ایران اشاره می‌شود.

این شرایط بر فرایند ترجمه ادبی و نیز پیرامتن‌نگاری اثر گذاشته و نقش مهمی را در قاب‌بندی^۴، تفسیر و دریافت متن‌ها ایفا نمود. پیرامتن صرفاً پاره همراهی‌کننده متن نیست، بلکه چارچوب متن را مشخص می‌نماید (Summers, 2013; Baker, 2006)؛ مسیر تفسیر خواننده را هدایت می‌کند؛ و گاه آشکار می‌سازد که چگونه کنشگران ترجمه (شامل مترجم، ناشر، و ویراستار) از پیرامتن در جایگاه فضایی مشروع برای اعمال قدرت و میانجی‌گری فرهنگی در پاسخ به ساختارهای قدرت استفاده می‌کنند (Kung, 2013, pp. 50, 59-65).

در این پژوهش بر آن بوده‌ایم تا با تمرکز بر پیرامتن آثار ادبی ترجمه‌شده در دوره پهلوی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006)، مضامین اصلی و فرعی طرح‌شده در پیرامتن‌ها را بررسی و دسته‌بندی نماییم. اهمیت این پژوهش در آن است که نگرش ترجمانی مترجمان آن دوره و آگاهی آنان از اصول و مبانی ترجمه را آشکار می‌کند و شناخت بهتری نسبت به جایگاه آنان در نظام ادبی زمان به دست می‌دهد.

۲. نیم‌نگاهی به پیرامتن

ژنت (Genette, 1997, pp. xviii, 5) بحث راجع به «پیرامتن»^۱ و «پیرامتنیت»^۲ را در دهه ۹۰ میلادی مطرح نمود که تأثیر عمیقی بر متن‌پژوهی و پژوهش‌های نقد ادبی داشته است. ژنت پیرامتن را فضاهای «آستانه‌ای»^۳ و «مرزی»^۴ می‌نامد (p. xvii) که پلی بین متن و مخاطب متن ایجاد می‌نمایند. پیرامتن کلیه اجزای متنی را دربرمی‌گیرد که پیرامون متن اثر تولید و ارائه می‌شود (p. xvii). ژنت عناصر پیرامتنی را به دو دسته تقسیم می‌کند:

- درون‌پیرامتن^۵: عناصر داخل کتاب شامل عناوین، مقدمه، پیشگفتار و مؤخره (p. 16)؛

- برون‌پیرامتن^۶: عناصر خارج از کتاب مانند مصاحبه و نقد (p. 344).

این چارچوب ابزاری را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد تا به‌وسیله آن بتوانند به بررسی نقش پیرامتن در دریافت مفاهیم ادبی و نحوهٔ معناسازی ادبی بپردازند (Genette, 1997, 1-15).

طاهر-گورچکلار (۲۰۰۲) نیز بر نقش پیرامتن در فرایند درک، ارائه و دریافت ادبیات ترجمه‌شده توجه نمود. به‌زعم وی، پژوهشگر می‌تواند با بررسی و تحلیل پیرامتن، نسبت به مفاهیمی چون اصالت و عدم اصالت متن که اغلب در خود متن مستتر هستند، بینش روشن‌تری داشته باشد (Tahir-Gürçaglar, 2002). او نیز مانند بسیاری با تأسی از دوگانه پیرامتنی ژنت ایده‌پردازی می‌کند، این چارچوب را به گسترهٔ ترجمه بسط می‌دهد و چنین استدلال می‌کند که پیرامتن‌ها حاشیه‌ای نیستند بلکه میانجی‌های اساسی هستند که تجربه و فهم خواننده را شکل می‌دهند.

بچلر (Batchelor, 2018, pp. 38-45) علاوه بر جنبه «کاربردشناختی»^۷ پیرامتن، به جنبه

-
1. paratext
 2. paratextuality
 3. threshold
 4. liminal
 5. peritext
 6. epitext
 7. pragmatic

جنبه نظری آن هم می‌پردازد. به‌زعم وی، در تعریف ژنت، پیرامتن همواره حامل تفسیری است که از سوی مؤلف یا با تأیید او باشد و کارکرد اصلی آن تضمین غایتی همسو با قصد و هدف مؤلف برای متن است (Batchelor, 2018, pp. 12-14). به نظر بچلر، این اصرار ژنت بر «قصد مؤلف»^۱ موجب نادیده‌گرفتن نقش کنشگرانی غیر از مؤلف (مترجم، ناشر، ویراستار) در خلق پیرامتن می‌شود (p. 14) -- نقشی که لزوماً همسو با قصد و هدف مؤلف تولید نیست. لذا بچلر پیرامتن را آستانه‌ای با طراحی آگاهانه^۲ قلمداد می‌کند که ظرفیت اثرگذاری بر کیفیت دریافت متن را دارد (p. 142) -- یعنی تولید و دریافت را در تعریف خود برجسته می‌کند. طبق تعریف وی، پیرامتن را می‌توان با رویکردهای محصول-محور^۳ (برای شناسایی الگوها یا استخراج اطلاعات درباره متن، گذشته یا حال) و فرایند-محور^۴ (برای بررسی تأثیر پیرامتن بر فرایندهای شناختی و تصمیم‌گیری‌های مترجم) پژوهید (pp. 168-181).

ولکر (Völcker, 2020) نیز معتقد است که پیرامتن عنصر ثانویه‌ای برای متن نیست؛ اصلی‌ترین کاربرد آن آماده‌سازی و همراهی در خوانش و تفسیر متن یا فیلم است. او پیرامتن را به فیلم نیز تعمیم می‌دهد و طبقه‌بندی نسبتاً جامع و پرباری را ارائه می‌کند که در مجموع دربرگیرنده مفاهیمی از قبیل جهت‌دهی به تفسیر، تبلیغ و ارتقاء، برقراری ارتباط، قاب‌بندی موقت، معنای‌پردازی روایت داستان، دخالت مخاطب و دخالت احساسات در متن یا فیلم است.

فرِث (Freeth, 2023) با معرفی مفهوم «پیرامتنیت جانبی» تلاش می‌کند پیوندی میان تعریف بچلر از پیرامتن به مثابه آستانه‌ای با طراحی آگاهانه و حوزه بافتی فراتر به‌ویژه در فضای دیجیتال ایجاد کند (pp. 425-427). مفهوم «پیرامتنیت جانبی»^۵ به روابط پیرامتنی پیچیده‌ای اشاره دارد که فراتر از عناصر ساخته مترجم یا ناشر قرار می‌گیرند (p. 426). این روابط اغلب در فضاهای شبکه‌وار و الگوریتمی (از قبیل فرسته‌های شبکه‌های اجتماعی) شکل می‌گیرند و ممکن است بدون مداخله آگاهانه یک خالق واحد پدید آیند (p. 426). به بیان دیگر، این روابط لزوماً نتیجه تصمیم‌گیری آگاهانه یک عامل واحد نیست، بلکه محصول تعاملات پویا و غیرقابل‌پیش‌بینی میان عوامل متعدد (مترجم، ناشر، خوانندگان، الگوریتم‌ها و بسترهای نرم‌افزاری) هستند (pp. 426-).

-
1. authorial intention
 2. consciously crafted
 3. product-oriented
 4. process-oriented
 5. collateral paratextuality

427). فرث چنین استدلال می‌کند که روابط پیرامتنی ظرفیت ایجاد و تفسیری دارند و همین آن‌ها را پویا و فرهنگ‌محور می‌سازد (p. 420).

۳. پیرامتن‌پژوهی ترجمه در ایران

در حوزه مطالعات پیرامتن ترجمه، بررسی پیشینه پژوهش‌ها نشانگر تنوع رویکرد و تمرکز بر جنبه‌های زبانی، فرهنگی، ایدئولوژیک و تاریخیست. به دلیل محدودیت حجمی مقاله حاضر، در این بخش چند مورد از پژوهش‌های متمرکز بر پیرامتن ترجمه در ایران مرور می‌شود.

یکی از محورهای اصلی در پژوهش‌ها، واکاوی صدای مترجم از طریق بررسی پانویس‌ها و یادداشت‌هاست. برای نمونه، یوسف‌آبادی و نورا (۱۴۰۳) با رویکردی توصیفی-تحلیلی پانویس‌های ترجمه‌های عربی و فارسی کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری اثر آدام متز را تحلیل کرده و نشان دادند که مترجمان با راهبردهایی مانند ترجمه دقیق، توضیح و افزودن پانویس جدید، اطلاعات پژوهشی خود را بر متن افزوده‌اند و درک متون تاریخی را برای مخاطب ملموس‌تر کرده‌اند. در پژوهش دیگری، بلوری (۱۳۹۶) نیز بر عاملیت مترجم در پانویس‌های کتابهای ادبی ترجمه‌شده تمرکز کرده و نقش مترجم را به مثابه پل ارتباطی بین فرهنگی برجسته می‌سازد.

در حوزه‌ای گسترده‌تر، حسین‌زاده (۱۳۹۶) با رویکرد روایت‌شناختی، مقدمه‌های مترجمان بر داستان‌های ترجمه‌شده را تحلیل کرده و با تأکید بر فرایند ترجمه و شرایط فرهنگی-اجتماعی ایران، نشان داده که این مقدمه‌ها از روایتی مبدأمحور به سمت مقصدمحور گرایش یافته‌اند. فرهادی (۱۳۹۶) نیز با بررسی ترجمه‌های نمایشنامه‌های ایبسن، نقش پژوهش و دراماتورژی^۱ را در سطوح پیرامتنی، بینامتنی و متنی برجسته کرده و ترجمه را به مثابه فرایندی پویا معرفی می‌نماید.

یکی از پژوهش‌های برجسته و مرتبط با پژوهش حاضر، پژوهش عاطف‌مهر (۱۴۰۱) است که با رویکردی فرامتنی و با بررسی عناصری همچون مقدمه‌ها، مؤخره‌ها، پانویس‌ها و حاشیه‌های مترجمان، آگاهی مترجمان دوره قاجار را از اصول و راهکارهای ترجمه کاوش نموده است. یافته‌های این پژوهش برخی کلی‌گویی‌های رایج مبنی بر بی‌اعتنایی مترجمان قاجاری به مسئله وفاداری را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که دست‌کم گروهی از این مترجمان به انواع متن (علمی در برابر غیرعلمی)، انواع ترجمه (تحت‌اللفظی در برابر معنایی/آزاد)، و نقش تعیین‌کننده

هدف ترجمه در انتخاب راهکارهای ترجمه‌ای آگاه بوده‌اند (صص. ۷۱-۶۹). همچنین، عاطف‌مهر نشان می‌دهد که این مترجمان با هدف آموزش علوم و فنون (در دوره ناصری) یا افزایش آگاهی عمومی از مسائل سیاسی و اجتماعی (در دوره پس از مشروطه)، راهکارهایی همچون افزودن توضیحات علمی در حاشیه، استفاده از پرانتز و پانویس، افزودن اشعار فارسی و ضرب‌المثل‌ها، و حتی افزودن تصاویر جدید را برای تولید متنی سلیس، روشن و قابل‌فهم برای عموم مردم اتخاذ می‌کردند (صص. ۶۷-۶۵، ۷۳-۷۲).

دو پژوهش خلیلی و ملانظر (Khalili & Mollanazar, 2020) و خلیلی و پرهام (Khalili & Parham, 2026) به بررسی نقش ترجمه ادبی در تعامل با پروژه مدرنیزاسیون رژیم پهلوی دوم، به‌ویژه در حوزه حقوق شهروندی زنان می‌پردازند. هر دو مطالعه بر ترجمه‌های فارسی رمان‌های انگلیسی تمرکز دارند که در فاصله کوتاهی پس از انقلاب سفید (۱۹۶۳) منتشر شده‌اند. خلیلی و ملانظر (۲۰۲۰) با بررسی مقدمه‌های مترجمان، در جایگاه یکی از عناصر پیرامتنی، با تکیه بر نظریه روایت بیکر نشان داده‌اند که مترجمان با استفاده از قاب‌بندی مجدد، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان را تنزل دادند، نارضایتی خانوادگی از رفتار مستقل زنان را برجسته کردند و جامعه را برای زنانی که نیاز به نظارت مداوم داشتند، ناامن نشان دادند. همین‌طور، خلیلی و پرهام (۲۰۲۶) با رویکردی کمی-کیفی و بهره‌گیری از مدل حقوق شهروندی مارشال به این نتیجه رسیده‌اند که ترجمه ممکن است هم در خدمت ایدئولوژی دولتی باشد و هم در برابر آن مقاومت کند.

بلوری و رضوانی (Bolouri & Rezvani, 2023) با تکیه بر رویکرد جامعه‌شناختی بوردیو، تأثیر روابط سیاسی ایران و ایالات متحده را در پیرامتن‌های ۱۷۵ ترجمه ادبی از آثار آمریکایی به فارسی بررسی کردند و نشان دادند که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، گفتمان اجتماعی-سیاسی افزایش یافته و بر موضوعاتی مانند نژادپرستی و اسلام تأکید شده است. این بررسی‌ها پویایی مطالعات پیرامتن ترجمه را در بسترهای تاریخی و فرهنگی ایران آشکار می‌سازند.

۴. روش پژوهش

مطالعه حاضر بر تحلیل مضامین پیرامتن در ترجمه‌های ادبی به فارسی در دوره پهلوی تمرکز دارد. رویکرد این پژوهش کتابخانه‌ای حاضر توصیفی و کیفی و بر پایه روش تحلیل

مضمون^۱ پیشنهادی براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) است. این روش انعطاف‌پذیر است و امکان شناسایی و تفسیر الگوهای معنادار در داده‌ها را بدون وابستگی به چارچوب‌های نظری مشخص و ازپیش‌تعیین‌شده فراهم می‌سازد. روش شامل شش مرحله است که به‌ترتیب عبارتند از: آشنایی با داده، برچسب‌گذاری اولیه، یافتن مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نامگذاری مضامین و ارائه گزارش (p. 87).

گردآوری و تحلیل داده در سه مرحله اصلی انجام شد:

مرحله اول - تهیه فهرست اولیه رمان‌های ترجمه‌شده: ابتدا با مراجعه به کتابخانه‌های مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران و کتابخانه دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، فهرستی از ۱۹۸ عنوان رمان ترجمه‌شده به فارسی در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷) تدوین گردید.

مرحله دوم - تهیه پیکره پژوهش: از میان ۱۹۸ عنوان کتاب شناسایی و بررسی‌شده، ۵۹ عنوان کتاب که حاوی پیرامتن بودند، به‌عنوان مرجع اصلی پژوهش انتخاب شدند. پیکره پژوهش طی فرایند تصویربرداری از صفحات حاوی پیرامتن و تبدیل آنها به متن با بهره‌گیری از پایگاه برخط تبدیل عکس به متن^۲ تدوین گردید. در این پژوهش، پیرامتن شامل عناصر درون‌پیرامتنی به‌شرح زیر بود: عنوان کتاب، صفحه عنوان، مقدمه، پیشگفتار، مؤخره، یادداشت مترجم، پانوشته‌ها و توضیحات مترجم. عناصر برون‌پیرامتنی (مانند مصاحبه‌ها و نقدهای خارج از کتاب) در این مطالعه بررسی نشد.

مرحله سوم - شناسایی و تحلیل مضمون: از پیکره ۵۹ عنوان کتاب، تمامی قطعات پیرامتن مرتبط با ترجمه استخراج و ثبت گردید که همگی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ ش.) بود. پس از مطالعه دقیق قطعات پیرامتن، ۴۶۷ پاره متن استخراج و برچسب‌گذاری شد که ۳۷۳ مورد راجع به ترجمه بود (از این تعداد، ۲۱ نمونه به‌دلیل داشتن مضامین چندوجهی، تحت بیش از یک مضمون دسته‌بندی شد). در مرحله بعد، مضامین مشابه با هم ادغام و بازنگری شد. برای اطمینان از پایایی گردآوری و تحلیل داده، پایایی کدگذاری^۳ احراز شد بدین‌صورت که ابتدا ۱۵ درصد

-
1. thematic analysis
 2. OCR
 3. intercoder reliability

نمونه‌ها مستقلاً توسط دو نویسنده برچسب‌گذاری و مقایسه شد و موارد مورد اختلاف (حدود ۱۰ درصد، عمدتاً در مضامین فرعی) از طریق بحث به نتیجه مشترک رسید. در مراحل بعد نیز نویسنده دوم برچسب‌گذاری باقی نمونه‌ها را بازنگری نمود. نتیجه بازنگری و دسته‌بندی چندباره داده‌ها، منتهی به هشت مضمون اصلی، ۲۰ مضمون فرعی اولیه و چهار مضمون فرعی ثانویه شد که در جدول یک فهرست شده‌اند. تمامی داده‌ها در نرم‌افزار اکسل و تحت ستون‌های ذیل ثبت و ضبط شد: نام مؤلف، عنوان ترجمه فارسی، نام مترجم، سال نشر، ناشر، نوع پیرامتن، پاره منتخب از پیرامتن، مضمون اصلی، مضمون فرعی اولیه و مضمون فرعی ثانویه.

جنبه‌هایی از قبیل زبان متن مبدأ و جنسیت مترجم خارج از تمرکز مطالعه حاضر بوده است. محاسبات آماری توصیفی و ترسیم نمودارهای بسامدی نیز در نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۱۶ انجام شده است.

۵. نتایج پژوهش

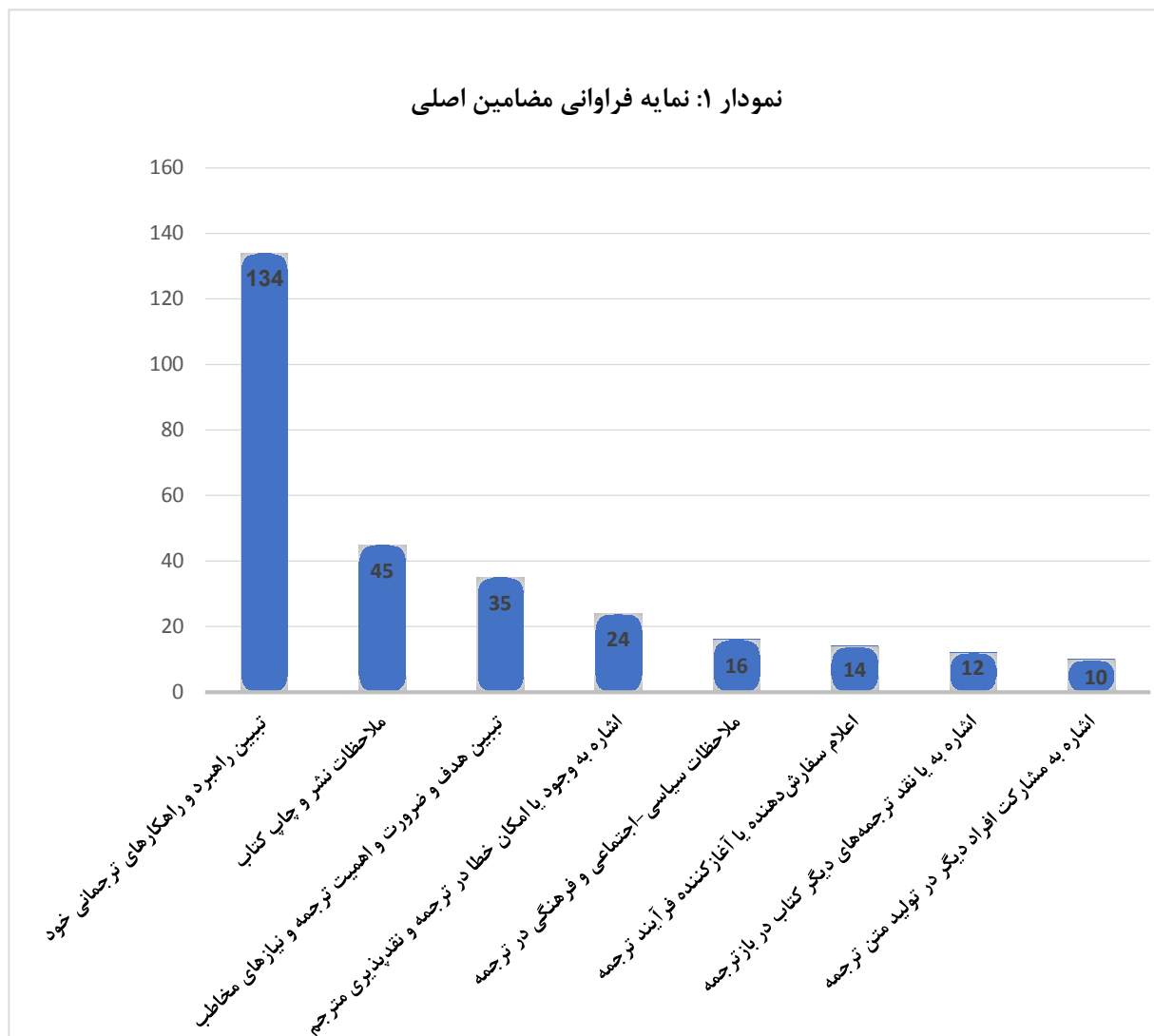
فهرست و میزان فراوانی همه مضامین اصلی و فرعی به‌دست‌آمده از پیرامتن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است. سپس، هر مضمون اصلی یافت‌شده در پیرامتن‌ها (به‌ترتیب بسامد نزولی) نمونه‌هایی ارائه شده است. در بخش بعد بحثی درخصوص نتایج ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: فراوانی مضامین

ردیف	مضمون اصلی بسامد (درصد از کل)	مضمون فرعی اولیه	بسامد (درصد در مضمون)	مضمون فرعی ثانویه	بسامد
۱	تبیین راهبرد و راهکارهای ترجمانی خود ۱۳۴ (۴۶٪)	چالش‌ها، دشواری‌های یا ناشدنی‌های ترجمه	۳۸ (۱۶٪)	دشواری‌های خوانش و زبان متن مبدا	۲۳
				دشواری‌های زندگی یا کاری خود مترجم (غیرمتنی) یا توانش مترجم	۱۵
		ملاحظات سبکی و سبک‌شناختی و انتخاب زبان و نوع بیان ترجمه (از نظر امانتداری، دقت، رسایی، شیوایی، رسمیت، گفتاری بودن،	۳۳ (۱۴٪)		

		زیبایی و وفاداری و رسم الخط و (...)		
	۲۶ (٪۱۲)	ملاحظات واژه‌گزینی و معادل‌گزینی یا ترجمه اصطلاحات تخصصی		
	۱۹ (٪۸)	بحث‌های کلی راجع به اصول و روش ترجمه و الزامات مترجمی (باید و نبایدهای ترجمه و مترجمی)		
	۸ (٪۴)	راہبرد کلی در ترجمه: بومی‌سازی در برابر بیگانه‌سازی		
	۷ (٪۳)	انتخاب عنوان ترجمه		
	۱ (٪۱)	تصمیمات مترجم در چاپ‌های مجدد ترجمه خود (حذف، اضافه، تغییر)		
	۳۰ (٪۱۲)	ملاحظات چاپ‌های مجدد و حق نشر	۲	ملاحظات نشر و چاپ کتاب ۴۵ (٪۱۶)
	۶ (٪۲)	ملاحظات فروش یا استقبال مخاطب		
	۴ (٪۲)	چالش‌های بازار ترجمه و نشر کتاب		
	۳ (٪۲)	مشکلات چاپ ترجمه (هزینه و ...)		
-			۳	تبیین هدف و ضرورت و اهمیت ترجمه و نیازهای مخاطب ۳۵ (٪۱۲)
	۱۰ (٪۴)	اعلام خطا یا کاستی یا امکان آن در ترجمه	۴	اشاره به وجود یا امکان خطا در ترجمه و نقدپذیری مترجم
	۸ (٪۴)	اظهار تواضع یا شکسته‌نفسی مترجم		

		۶ (۲٪)	پاسخ به ایرادات طرح شده یا نقدهای احتمالی	۲۴ (۸٪)	
۹	سانسور به دستور عامل بیرونی	۱۲ (۵٪)	حذف یا سانسور	۵ اشاره به ملاحظات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی در ترجمه ۱۶ (۶٪)	
۳	خودسانسوری یا تصمیم مترجم				
		۴ (۲٪)	مخالفت مترجم با ایدئولوژی نویسنده یا محتوای متن مبدا		
		۹ (۴٪)	شخصی	۶ اعلام سفارش دهنده یا آغازکننده فرایند ترجمه ۱۴ (۵٪)	
		۵ (۳٪)	دولتی یا حکومتی		
		۹ (۴٪)	ترجمه‌های غیرفارسی	۷ اشاره به یا نقد ترجمه‌های دیگر کتاب در بازترجمه ۱۲ (۴٪)	
		۳ (۲٪)	ترجمه‌های فارسی		
			-	۸ اشاره به مشارکت افراد دیگر در تولید متن ترجمه ۱۰ (۳٪)	



۵.۱. تبیین راهبرد و راهکارهای ترجمانی خود

این مضمون ناظر به توضیحاتی است که مترجم دربارهٔ راهکارهای خود در ترجمه در اختیار خواننده قرار می‌دهد و دربرگیرندهٔ هفت مضمون فرعی اولیه است که در جدول یک فهرست شده‌اند.

مثال ۱:

کوشش مترجم آن بوده است که در متن منتهای دقت و امانت را بکار ببرد و نه چیزی بیفزاید و نه بکاهد. (ترژدی قیصر، شادمانی، ۱۳۳۴، ص. ۱۳)

مثال ۲:

صنایع لفظی و صوتی این آثار طبیعتاً قابل ترجمه نیست چون متکی به تلفیق کلمات و الفاظ می‌باشد که قابل تبدیل به زبان فارسی نمی‌باشد. (تلاش بیهوده عشق، بازارگادی، ۱۳۵۶، ص. ۲۱)

۵.۲. ملاحظات نشر و چاپ کتاب

این مضمون به «چالش‌های بازار»، «مشکلات چاپ (هزینه و ...)»، «فروش یا استقبال مخاطب» و «چاپ‌های مجدد و حق نشر» اشاره دارد.

مثال ۱:

حق چاپ محفوظ و متعلق به مترجم است. (سفرنامه ژنرال سرپرسی، نوری، ۱۳۳۶، شناسنامه کتاب)

مثال ۲:

ترانه‌های بیل‌تیس برای نخستین بار در بهار سال گذشته انتشار یافت و همانطور که انتظار می‌رفت بلافاصله با استقبال و علاقه فراوان مواجه شد. زیرا اصولاً این کتاب در هر جای دنیا که ترجمه شده مواجه با استقبال بسیار شده است. (ترانه‌های بیل‌تیس، شفا، ۱۳۴۳، ص. ۱۰)

۵.۳. تبیین هدف و ضرورت و اهمیت ترجمه و نیازهای مخاطب

مثال ۱:

منظور از انتشار این مجموعه این است که عده‌ای آثار شیرین و سودمند در دسترس دانش‌آموزان و جوانان قرار گیرد. (دختران فضل‌فروش و چهار نمایشنامه دیگر، وزیری و ملاح، ۱۳۴۴، بند ۱)

مثال ۲:

ترجمه این کتاب منتهای وجوب و لزوم را دارد. درواقع تهیه و تدارکیست برای مورخی که در آینده بخواهد تاریخ ایران را بنگارد. (سفرنامه برادران شرلی، آوانس خان، ۱۳۳۰، ص. ۳۸)

۵.۴. اشاره به وجود یا امکان خطا در ترجمه و نقدپذیری مترجم

در اینگونه موارد که بیشتر در مقدمه کتابهای ترجمه‌شده اثر شکسپیر مشاهده گردید، مترجمان اذعان دارند ترجمه کاری بس دشوار است و وجود خطا یا کاستی یا امکان آن در ترجمه را تصریح نموده‌اند. در مواردی هم «اظهار تواضع یا شکسته‌نفسی» کرده و بعضاً به ایرادات طرح‌شده یا نقدهای احتمالی پاسخ داده‌اند.

مثال ۱:
بی‌شک این ترجمه از سهو و عیب خالی نیست. (تر/ژدی قیصر، شادمان، ۱۳۳۴، ص. ۱۳)
مثال ۲:
مترجم [...] برای چاپ دوم غلطهای چاپی را پیراست [...] چاپ سوم [...] زیر تأثیر [...] تبلیغات برای فیلم گتسبی بزرگ آغاز گردید. (گتسبی بزرگ، امامی، ۱۳۴۷، بند ۴)

۵.۵. اشاره به ملاحظات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی در ترجمه

مقوله «حذف یا سانسور» در ترجمه (که ممکن است «سانسور به دستور عامل بیرونی» یا «خودسانسوری یا تصمیم مترجم» باشد) و «مخالفت مترجم با ایدئولوژی نویسنده یا محتوای متن مبدأ» ذیل این مضمون قرار می‌گیرد.

مثال ۱:
...نهضت ترجمه در ایران... گسترش یافت... و بسیاری آثار غربی از رسا و نارسا، از عالی و دانی، ترجمه و روانه بازار گردید و همشهریان آنها را همچون کاغذ زر خریدند و خواندند و از خود بیگانه و از دار و ندار خویش یعنی از گنجینه غنی ادبیات و معارف ایرانی منفک شدند (د/غ ننگ، دانشور، ۱۳۳۳، ص. ۶)
مثال ۲:
این کتاب وقتی ترجمه شد که استعمال لغات موضوعه از طرف فرهنگستان و اصطلاحاتی که آن مجمع وضع می‌کرد اجباری بود وگرنه بیم آن می‌رفت که باعث آسیب مترجم شوند و به‌همین جهت در بعضی از عبارات این کتاب کلمات و اصطلاحاتی دیده می‌شود که به نسبت خیلی کم انشاء را ثقیل کرده. معذالک در همان موقع مترجم دقت می‌نمود که جملات و عبارات خیلی سلیس و روان باشد. مقصود ما از این تذکر آن بود که تصور نکنند مترجم در بکار بردن

کلمات غیرمأنوس تعمدی داشته است. (جلد دوم/اندیشه‌های یک مغز بزرگ، منصوری، ۱۳۲۳، ص. ۳)

۵.۶. اعلام سفارش‌دهنده یا آغازکننده فرایند ترجمه

«آغازکننده فرایند ترجمه» ممکن است «دولتی/حکومتی» یا «شخصی» باشد که به این موضوع در مقدمه یا شناسنامه کتاب اشاره می‌شود و اعلام می‌گردد که چه شخص، نهاد یا سازمانی فرایند ترجمه را آغاز نموده است.

مثال ۱:
و مؤسسه فرانکلین که باعث و بانی ترجمه در وهله اول بوده است، این کار را از من خواست. به این توهم که شاید در این مدت اندکی بر سواد من افزوده شده باشد که خود بر خطاست. (تسخیرناپذیر، داریوش، ۱۳۵۳، بند ۱)
مثال ۲:
به فرمان محمدرضا شاه پهلوی (هفت نمایشنامه کوچک، حق‌اندیش، ۱۳۴۳، شناسنامه کتاب)
مثال ۳:
سیاحتنامه این شخص را این بنده در کتابخانه بریتیش میوزیم لندن پیدا کرده و به تجسس زیاد نسخه از آن را تحصیل و ترجمه نمودم. (سفرنامه برادران شرلی، آوانس، ۱۳۳۰، ص. ۳۸)

۵.۷. اشاره به یا نقد ترجمه‌های دیگر کتاب در بازترجمه

این مضمون شامل مواردی است که مترجم به نقد «ترجمه‌های فارسی» یا «غیرفارسی» موجود در زمان ترجمه پرداخته است یا بدان‌ها اشاره کرده است.

مثال ۱:
کتاب حاضر از متن اصلی فرانسه چاپ کتابخانه بلاروس و مقابله با چاپ آتنا ترجمه شده است. ضمن ترجمه به نسخه انگلیسی چاپ آمریکا ترجمه ا.ک. براون [...] نیز مراجعه شده است. اگرچه، ترجمه براون بسیار عالی است [...] ولی در چند جای ترجمه اشتباهاتی رخ داده است و در یکی دو جا هم بعضی جمله‌ها از قلم افتاده است. (باباگوریو، ژوزف، ۱۳۴۳، ص. ۲۴)

مثال ۲:

از ترجمه عربی هملت به قلم سامی الجریدینی انتقادی تهیه کردم که انتشار آن باید به موقع مناسب‌ترین موکول گردد. (هملت، فرزاد، ۱۳۴۲، ص. ۹)

۵,۸ اشاره به مشارکت دیگران در تولید متن ترجمه

کمترین فراوانی به مضمون «مشارکت دیگران در تولید متن ترجمه» اختصاص دارد. در اینگونه پیرامتن، مترجم به سهم دیگران در تولید ترجمه اشاره می‌کند.

مثال ۱:

در خاتمه وظیفه خود می‌دانم از دانشمندان محترم جناب آقای فواد روحانی که با ترجمه برخی سرفصل‌ها و جملات دیگری که به زبان لاتین بود مرا در تکمیل این اثر یاری کردند صمیمانه سپاسگزاری کنم. (سیاحت درویش دروغین، نوریان، ۱۳۳۷، ص. ۸)

مثال ۲:

در بازپسین سخن لازم است تا از دوست عزیزم آقای اسدالله جهانفر که در تصحیح این کتاب یاریم نموده صمیمانه سپاسگزارم. (چرم ساغری، جواهرچی، ۱۳۴۳، ص. ۸)

۶. بحث

بررسی مضامین استخراج‌شده از پیرامتن‌ها تصویری از دغدغه‌ها، راهبردها و محدودیت‌های مترجمان فارسی دوره پهلوی دوم به دست می‌دهد.

برجسته‌ترین مضمون اصلی «تبیین راهبرد و راهکارهای ترجمانی خود» (۱۳۴ مورد، ۴۶ درصد) است که نشان می‌دهد مترجمان ادبی گاه پیرامتن را به فضایی برای بیان مشروعیت^۴ فرهنگی، ادبی و علمی خود تبدیل کرده‌اند. مشروعیت حرفه‌ای در این زمینه به معنای کسب اعتبار و پذیرش اجتماعی به عنوان یک متخصص آگاه و صاحب‌نظر در حوزه ترجمه است. وقتی مترجم در مقدمه یا یادداشت خود، راهبردهای ترجمه، دشواری‌های متن مبدأ، انتخاب‌های سبک‌شناختی و راهکارهای اتخاذشده را به تفصیل توضیح می‌دهد، درواقع دانش تخصصی، تأملات روش‌شناختی و تعهد حرفه‌ای خود را به نمایش می‌گذارد. مترجمان حرفه‌ای هویت حرفه‌ای خویش و

خودادراکی^۵ را از طریق ارائه دانش فرهنگی، ذائقه ادبی و سبک ترجمه می‌سازند (Sela-Sheffy, 2023, pp. 89-99 که این بازنمایی اجتماعی در فضای فرهنگی منبع اصلی مشروعیت آنهاست. برای مثال:

امکان دارد به ترجمه پرداختن بسی نکات به نویسنده بیاموزد و یک نوع مشق و تمرین یا دست‌کم تفنن باشد. شک نیست که اگر هر دو زبان را خوب بدانی زبان اثر و زبانی که اثر را به آن برمی‌گردانی ترجمه بسی سهل‌تر است از اثری که خودت خلق خواهی کرد. (د/غ ننگ، دانشور، ۱۳۳۳، ص. ۵)

جملات دانشور بر مضمون فرعی «اصول و روش ترجمه و الزامات مترجمی» دلالت دارد که طی آن معلوم می‌گردد مترجم در پیرامتن فعالیت خود را تثبیت و جایگاه خود را تعیین می‌نماید. به بیان دیگر، تصویر خود را در جایگاه متخصصی آگاه، متعهد و صاحب‌نظر ارائه می‌دهد. مترجم به صراحت «الویت‌های سبک‌شناختی» خود را بیان می‌کند و به صورت انتخابی توضیحاتی را در متن ترجمه‌شده درج می‌نماید (نک. بلوری، ۱۳۹۶). دو نمونه دیگر:

«[...] سعی شده است امانت و اصالت آن تا حد امکان حفظ شود و از دخل و تصرف بی‌مورد اجتناب گردد.» (تلاش بیهوده عشق، بازارگادی، ۱۳۵۶، ص. ۲۱).

«[...] در ترجمه این کتاب امانت را به کمال و سبک نویسنده را در حد توان مراعات کرده‌ام. [...] این ترجمه را بر هر ترجمه دیگری [...] حتی بر آنچه خود نوشته‌ام رجحان می‌نهم.» (تسخیرناپذیر، داریوش، ۱۳۵۳، بند ۳)

مضمون دوم «ملاحظات نشر و چاپ کتاب» بیشتر جنبه عملی-بازاری دارد. شایسته ذکر است این مضمون بیشتر از سوی ناشر در شناسنامه کتاب درج گردیده بود. گرچه مضامین فرعی «چاپ‌های مجدد و حق نشر»، «مشکلات چاپ»، «چالش‌های بازار» و «فروش یا استقبال مخاطب» بعضاً از سوی مترجم نیز مطرح شده است که احتمال دارد مترجم ناگزیر با محدودیت‌های بالادستی صنعت نشر مواجه بوده و پیرامتن را ابزاری برای آگاهی‌رسانی جمعی قرار می‌داده است. برای نمونه:

«افسوس که گرانی [...] کاغذ، وسایل طبع [...] و کمی بضاعت مادی مترجم [...] اجازه

نمی‌دهد که تمامی کتابهای مترلینگ را تا آنجا که قابل ترجمه باشد [...] ترجمه کرده و در دسترس خوانندگان بگذاریم.» (اندیشه‌های یک مغز بزرگ جلدهای ۱ و ۲، منصوری، ۱۳۲۳، ص.

(۴)

در مضمون سوم «تبیین هدف، ضرورت و اهمیت ترجمه و نیازهای مخاطب» تمرکز بر خواننده و نیازهای اوست. گذشته‌ازاین، بر نقش ترجمه در آموزش و افزایش آگاهی خوانندگان ایرانی از طریق عرضه تاریخ، تمدن و تجربیات دیگر جوامع تأکید شده است.

«اشاره به وجود یا امکان خطا در ترجمه و نقدپذیری مترجم» مضمون چهارم است که نشان می‌دهد مترجمان با زبانی تواضع‌آمیز، حدودمرز توانایی خود در انتقال دقیق مفاهیم زبان مبدأ را بیان می‌داشتند. آن‌ها به این شیوه به‌دشواری عمل ترجمه اذعان نموده و فضایی برای گفتگوهای بیشتر در جهت اصلاح، نقد و بازخوانی ترجمه ایجاد می‌کردند.

«ملاحظات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی در ترجمه» نیز از مضامین کم‌پسامدتر (مضمون پنجم) اما درخور توجه است که شامل دو مضمون فرعی دیگر می‌شود: «حذف یا سانسور»، و «مخالفت مترجم با ایدئولوژی نویسنده یا محتوای متن مبدأ». مترجم از این نوع پیرامتن به‌مثابه ابزاری برای بیان اندیشه‌های مخالف خود با محوریت ترجمه و سوءاثر آن بر ادبیات ملی استفاده کرده و دغدغه‌های فرهنگی خود را مطرح نموده است. این موضوع با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مانند خلیلی و ملانظر (۲۰۲۰) و خلیلی و پرهام (۲۰۲۶) همسو است. برای نمونه، دانشور به بازتاب تجربه زیسته خود در مسیر ترجمه می‌پردازد و نگاه وابسته به غرب را نقد می‌نماید و دیگران را به خودآگاهی فرهنگی و بازسازی تاریخ ادبیات ملی دعوت می‌نماید:

نهضت ترجمه در ایران ... گسترش یافت ... و بسیاری آثار غربی از رسا و نارسا، از عالی و دانی، ترجمه و روانه بازار گردید و همشهریان آن‌ها را همچون کاغذ زر خریدند و خواندند و از خود بیگانه و از دار و ندار خویش یعنی از گنجینه غنی ادبیات و معارف ایرانی منفک شدند. (د/غ ننگ، دانشور، ۱۳۳۳، ص. ۶)

و در نمونه‌ای دیگر نظراتی مشابه می‌بینیم:

تنها ترجمه نوشته‌ها و اشعار زبان‌های اروپایی نمی‌تواند بیان‌کننده تمام خواسته‌ها و تمایلات همه [-] ازجمله ما [-] باشد، زیرا برای بیان خواسته‌ها و نشان دادن تمایلات و دیگر چیزها هر ملّتی زبانی دارد و کلامی. (سرگذشت مرد خسیس، مهدوی، ۱۳۵۰، ص.

مضامین ششم، هفتم و هشتم، یعنی «اعلام سفارش‌دهنده یا آغازکننده فرایند ترجمه»، «اشاره به یا نقد ترجمه‌های دیگر کتاب در بازترجمه» و «اشاره به مشارکت افراد دیگر در تولید متن ترجمه» در انتهای فهرست با کمترین بسامد قرار دارند.

در سطح مضامین فرعی اولیه، «چالش‌ها، دشواری‌های یا ناشدنی‌های ترجمه»، «ملاحظات سبکی و سبک‌شناختی» و «ملاحظات واژه‌گزینی» با بیشترین بسامدها گواه آن است که مترجمان ادبی بیش از هر چیز در پی توجیه انتخاب‌های خود، بیان شیوه رویارویی با چالش‌های ترجمه و ایجاد ارتباط با خواننده بوده‌اند.

۷. نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با تحلیل مضامین پیرامتن‌های آثار ادبی ترجمه‌شده به فارسی در دوره پهلوی دوم مشخص نمود که بسیاری از مترجمان از پیرامتن به‌مثابه ابزاری برای ارائه توجیه و دفاع از روش ترجمانی خویش بهره برده‌اند که برجسته‌ترین آن‌ها تبیین راهبرد و راهکارهای ترجمانی خود می‌باشد. علاوه‌براین، پیرامتن عرصه‌ای برای ابراز مشروعیت فرهنگی، ادبی و علمی مترجم بوده و امکان بیان اندیشه‌های مخالف وی یا نقد رویکردهای رایج ترجمه را نیز فراهم ساخته است. نمود ملاحظات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی در پیرامتن ترجمه‌ها گواه آن است که ترجمه فرایندی صرفاً زبانی نیست، بلکه پیوندی تنگاتنگ با فرهنگ و مناسبات و گفتمان‌های زمانه دارد.

پژوهش حاضر تأیید می‌کند که جایگاه مترجم فراتر از واسطه بین دو زبان و ناقل بی‌طرف معناست. درواقع مترجم کنش‌گری فعال در بستری بینافرهنگیست که در فرایند تولید متن مشارکت می‌کند و گاه می‌توان نمود آشکار عاملیت وی را در پیرامتن یافت. تمرکز بر پیرامتن و مطالعه آن به‌مثابه منبع داده‌ای غنی، امکان ردیابی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و حرفه‌ای مترجمان را فراهم می‌آورد و می‌تواند مکمل تحلیل‌های متن‌محور و دریافت‌محور در مطالعات ترجمه باشد.

فهرست مضامین اصلی و فرعی پیرامتن‌ها که در مقاله حاضر ارائه شد از نظر تنوع قابل اعتناست. باوجوداین، نگارندگان بر محدودیت مطالعه حاضر که بیشتر جنبه توصیفی و بسامدمحور

دارد تا کیفی و تحلیلی، اذعان دارند. انجام پژوهش‌های گسترده‌تر برای صحت‌سنجی الگوهای شناسایی‌شده در مطالعه حاضر ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، انجام پژوهش‌هایی که تحلیل مضامین را در بافت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوره زمانی به دست دهند ارزشمند خواهد بود، به‌ویژه در مقایسه ژانر ادبی و غیرادبی.

منابع

- بلوری، مزدک. (۱۳۹۶). عاملیت مترجم در پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجمان ادبی معاصر در ایران. *جستارهای زبانی*. ۱ (۶)، ۱۹۱-۲۱۴.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223081.1396.8.6.6.4>
- حسین‌زاده، مریم. (۱۳۹۶). بررسی روایت‌شناختی مقدمه مترجمان بر آثار داستانی ترجمه‌شده در ایران. *مطالعات زبان و ترجمه*. ۵۰ (۴)، ۱۶۷-۱۳۹. <https://doi.org/10.22067/lts.v50i4.67972>
- فرهادی، سمانه. (۱۳۹۶). نقش پژوهش و دراماتورژی در (باز)ترجمه: نگاهی به ویرایش و بازترجمه آثار ایبسن به قلم بهزاد قادری. *مطالعات زبان و ترجمه*. ۲ (۵۰)، ۵۰-۱۳۹. <https://doi.org/10.22067/lts.v50i2.62835>
- عاطف‌مهر، زهرا. (۱۴۰۱). بررسی آگاهی مترجمان قاجاری از اصول و راهکارهای ترجمه: رویکردی فرامتنی. *مطالعات ترجمه*. ۲۰ (۷۹)، ۸۲-۶۲.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350212.1401.20.3.4.7>
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباست و نورا، محبوبه. (۱۴۰۳). واکاوی صدای مترجم در پانویس‌های ترجمه‌های عربی و فارسی کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری». *مطالعات ترجمه*. ۲۲ (۸۸)، ۲۴-۷.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350212.1403.22.4.1.0>
- Abrahamian, E. (2018). *A history of modern Iran* (2nd ed.). Cambridge University Press.
- Abrahamian, E. (1982). *Iran between two revolutions*. Princeton University Press.
- Baker, M. (2006). *Translation and conflict*. Routledge.
- Batchelor, K. (2018). *Translation and paratexts*. Routledge.
- Bolouri, M., & Rezvani, E. (2023). The politics of translation: Investigating paratexts of Persian translations of American literary works in two historical contexts. *Iranian Journal of Translation Studies*, 21(82), 61-78. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350212.1402.21.2.7.5>
- Boroujerdi, M. (1996). *Iranian intellectuals and the West: The tormented triumph of nativism*. Syracuse University Press.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101. <http://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Chehabi, H. E. (1993). Staging the emperor's new clothes: Dress codes and nation-building under Reza Shah. *Iranian Studies*, 26(3-4), 209-233.

<http://doi.org/10.1080/00210869308701800>

- Cronin, S. (2003). Introduction. In S. Cronin (Ed.), *The making of modern Iran: State and society under Riza Shah*. (pp. 1–12). Routledge.
- Freeth, P. J. (2023). Between consciously crafted and the vastness of context: Collateral paratextuality and its implications for translation studies. *Translation Studies*, 16(3), 419–435. <https://doi.org/10.1080/14781700.2023.2194882>
- Genette, G. (1997). *Paratexts: thresholds of interpretation* (J. E. Lewin, Trans.). University of Nebraska Press.
- Khalili, M., & Mollanazar, H. (2020). Contribution of translation to promotion of and resistance against the Second Pahlavi's narrative of modernization regarding women. *Iranian Journal of Translation Studies*, 18(69), 26–42. <https://journal.translationstudies.ir/ts/article/view/781>
- Khalili, M., & Parham, F. (2026). Literary translation and politics: A study of Iranian women's citizenship rights. *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*, 6(1), 7–32. <https://doi.org/10.22077/islah.2025.8418.1546>
- Katouzian, H. (2004). The short-term society: A study in the problems of long-term political and economic development in Iran. *Middle Eastern Studies*, 40(1), pp. 1–22. <https://doi.org/10.1080/00263200412331301867>
- Kung, S. (2013). Paratext, an alternative in boundary crossing: A complementary approach to translation analysis. In V. Pellat (Ed.), *Text, extratext, metatext and paratext in translation* (pp. 49–68). Cambridge Scholars Publishing.
- Ostvar, M. (2023). Education and modernization of Iran in the first Pahlavi government. *State Studies*, 9(34), 57–97. <https://doi.org/10.22054/TSSQ.2023.71214.1359>
- Sela-Sheffy, R. (2023). What does it take to be a professional translator? Identity as a resource. In J. Glückler, C. Winch, & A. M. Punstein (Eds.), *Professions and proficiency* (pp. 89–111). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-24910-5_5
- Summers, C. (2013). What remains: The institutional reframing of authorship in translated paratexts. In V. Pellatt (Ed.), *Text, extratext, metatext and paratext in translation* (pp. 9–32). Cambridge Scholars Publishing.
- Tahir-Gürçaglar, Ş. (2002). What texts don't tell: The uses of paratexts in translation research. In T. Hermans (Ed.), *Crosscultural transgressions: Research models in translation studies II, Historical and ideological issues* (pp. 46–60). St. Jerome Publishing.
- Tavakoli-Targhi, M. (2001). *Refashioning Iran, orientalism, occidentalism and historiography*. Palgrave.
- Völcker, M. (2020). Paratexts on a social network site and their relevance in the production of meaning: Results of a qualitative investigation of Twitter-Feeds. *Plos One*, 15(9), 1–27. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0238765>
- Zahirinejad, M. (2022). Education and cultural change in the modernisation of Iran: The role of Shi'ite clerics and the middle class. *Rocznik Orientalistyczny*, 75(2), 122–137. <https://doi.org/10.24425/ro.2022.143579>